

فراتر از خبر

آيا چين و روسيه براي حمله به اهداف آمريكايي در خاورميانه به ايران كمك مي‌كنند؟

سعيد جعفري

كمتر از يك دقيقه پيش



بازگشت پيكر سربازان آمريكايي كشته‌شده در حملات ايران به اردن و شمال عراق

هيچ سرباز روسي يا چيني در كنار نيروهاي ايراني ن‌جنگيد و هيچ جنگنده‌اي از اين دو كشور براي دفاع از آسمان ايران به پرواز درنيامد. اما جنگ يك سوال ديگر را پيش كشيد: آيا مسكو و پكن از راه‌هاي ديگري به جمهوري اسلامي كمك كرده‌اند؟

گزارش‌هايي درباره انتقال اطلاعات، تصاوير ماهواره‌اي، فناوري ناوبري و قطعات الكترونيكي منتشر شده، اما هنوز مدرك علني و قطعي وجود ندارد كه نشان دهد روسيه يا چين مستقيماً در طراحي حملات ايران مشاركت داشته‌اند يا نه.

ديدارهاي عباس عراقچي با وزيران خارجه روسيه و چين در حاشيه نشست سازمان همكاري شانگهاي اين بحث را دوباره زنده كرد. عراقچي گفت رايزني‌هاي تهران با مسكو و پكن «مستمر و دائمي» است، اما درباره محتوای گفت‌وگوها توضيح بيشترى نداد.

ابهام درباره این همکاری‌ها، خود تصویری از ماهیت روابط ایران با دو قدرت شرقی ارائه می‌دهد. به نظر می‌رسد مسکو و پکن فروپاشی موقعیت جمهوری اسلامی را به سود خود نمی‌دانند، اما این حمایت دست‌کم تا امروز آنها را به سمت اقداماتی سوق نداده که تقابلشان با آمریکا را وارد مرحله تازه‌ای کند.

روسیه چه کمکی کرده است؟

روابط تهران و مسکو در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، وارد مرحله تازه‌ای شد و همکاری پهنای دو کشور یکی از مهم‌ترین نمودهای آن بود.

روزنامه آمریکایی واشینگتن‌پست در روزهای نخست جنگ با ایران به نقل از مقام‌های آگاه از اطلاعات آمریکا، گزارش داد که روسیه موقعیت نیروها، کشتی‌ها و هواپیماهای آمریکایی در منطقه را در اختیار تهران گذاشته است. چند هفته بعد، رویترز با استناد به یک ارزیابی اطلاعاتی اوکراین نوشت ماهواره‌های روسی طی ده روز دست‌کم ۲۴ بار از ۴۶ مرکز نظامی، فرودگاه و تاسیسات حساس در ۱۱ کشور خاورمیانه تصویربرداری کرده‌اند. برخی از این مناطق کمی بعد هدف ایران قرار گرفتند.

بیشتر در این باره:

جنگ علیه ایران چه تأثیری بر منافع و موقعیت چین و روسیه دارد؟



دو منبع نظامی و امنیتی نیز به رویترز گفته‌اند که تصاویر روسی در اختیار ایران قرار گرفته است. با این حال، عبور ماهواره از فراز یک منطقه ثابت نمی‌کند که تصویری تهیه یا برای ایران ارسال شده باشد. بخش مهمی از این ادعاها نیز بر اطلاعات اوکراین استوار است؛ کشوری که خود درگیر جنگ با روسیه است.

هرچند کرملین این گزارش‌ها را جعلی و دروغ خواند اما پرسش درباره نقش مسکو پس از حمله به مراکز مورد استفاده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در منطقه جدی‌تر شد. رویترز گزارش داد نهادهای اطلاعاتی آمریکا در حال بررسی احتمال کمک روسیه در این حملات‌اند. دقت اصابت‌ها و دسترسی احتمالی ایران به محل مراکزی که موقعیت آنها محرمانه بوده، از دلایل این بررسی عنوان شده است.

گزارش‌ها همچنین از احتمال استفاده ایران از نسخه ارتقایافته پهپاد شاهد و سامانه ناوبری ماهواره‌ای «کومتا-ام» سخن گفته‌اند؛ فناوری‌هایی که می‌توانند دقت پهپاد را بیشتر و مقاومت آن را در برابر اختلال الکترونیکی تقویت کنند. روسیه این ادعاها را نیز رد کرده است.

با این حال، گروهی از تحلیلگران نظامی بر این باورند که همه حملات ایران را نمی‌توان به کمک روسیه نسبت داد. تهران سال‌هاست پایگاه‌ها، سفارتخانه‌ها و مراکز نظامی آمریکا در منطقه را زیر نظر دارد. بسیاری از این اهداف ثابت و در تصاویر تجاری یا منابع عمومی قابل شناسایی‌اند. کمک خارجی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که هدف متحرک، تازه جابه‌جا شده یا محل دقیق آن محرمانه باشد.

استفاده گسترده روسیه از پهپادهای شاهد در اوکراین، امکان انتقال تجربه عملیاتی و بهبود این سامانه‌ها را برای هر دو طرف فراهم کرده است.

ارزیابی اندیشکده‌ها نیز به همین دوگانگی می‌رسد. بنیاد کارنگی می‌گوید روابط نظامی تهران و مسکو نزدیک‌تر شده، اما روسیه هنوز از حمایت آشکار نظامی خودداری می‌کند. باشگاه والدای، نزدیک به فضای سیاست خارجی روسیه، می‌نویسد مسکو ایران را شریک مهمی می‌داند، ولی تعهدی برای دفاع از آن ندارد و نمی‌خواهد روابطش با عربستان، امارات و دیگر کشورهای منطقه را به خطر بیندازد.

در مقابل، مرکز بگین-سادات در اسرائیل معتقد است جنگ از راه افزایش قیمت نفت، مصرف ذخایر دفاعی آمریکا و کاهش تمرکز واشینگتن بر اوکراین می‌تواند به سود روسیه باشد.

این تفاوت نگاه میان کارنگی، والدای و بگین-سادات نیز نشان می‌دهد حتی در میان تحلیلگران غربی، روسی و اسرائیلی نیز درباره دامنه واقعی این همکاری اتفاق نظر وجود ندارد.

در مجموع، به نظر می‌رسد روسیه نه خواهان شکست کامل جمهوری اسلامی است و نه آماده دفاع آشکار از آن. برخی تحلیلگران معتقدند کمک‌های محدود و قابل انکار، با چنین موازنه‌ای سازگارتر است. اگر بخشی از این گزارش‌ها درست باشد، چنین الگویی می‌تواند توضیح دهد که چرا برخی تحلیلگران از انتقال محدود اطلاعات، فناوری یا تجربه نظامی سخن می‌گویند، بی‌آنکه روسیه مسئولیت ورود مستقیم به جنگ را بپذیرد. حمایتی که هرچند برای ایران هم حائز اهمیت است اما با یک اتحاد نظامی فاصله زیادی دارد.

چین چه کمکی کرده است؟

درباره نقش چین، شواهد بیشتر به فناوری و زنجیره تامین مربوط است تا انتقال مستقیم اطلاعات از سوی دولت پکن.

روزنامه بریتانیایی گاردین گزارش داده که تصاویر ماهواره‌ای شرکت‌های چینی به ایران امکان داده موقعیت هواپیماها و سامانه‌های پدافندی آمریکا را در پایگاه‌های منطقه بررسی کند. آمریکا در ماه مه سه شرکت چینی را به اتهام ارائه چنین تصاویری تحریم کرد. یکی از آنها، شرکت «میزار ویژن»، تصاویری از پایگاه‌های آمریکا در عربستان، بحرین و اردن منتشر کرده بود؛ از جمله پایگاه موفق‌السلطی که بعدتر هدف حمله مرگبار ایران قرار گرفت.

با این حال، انتشار این تصاویر به تنهایی ثابت نمی‌کند که دولت چین اطلاعات هدف‌گیری را در اختیار ایران گذاشته است. سیدهارت کاوشال، پژوهشگر موسسه خدمات سلطنتی بریتانیا، می‌گوید ایران بیشتر به اهداف ثابت حمله کرده و برای شناسایی چنین اهدافی، تصاویر تجاری کافی است. به گفته او، تاکنون هدفی چنان متحرک یا پیچیده مورد اصابت قرار نگرفته که بدون کمک اطلاعاتی خارجی امکان‌پذیر نباشد.

همزمان، فناوری چینی سال‌هاست بخشی از برنامه موشکی و پهپادی ایران را تشکیل می‌دهد. قطعات الکترونیکی، تراشه‌ها و تجهیزات دارای کاربرد دوگانه از چین به ایران رسیده‌اند. موشک‌های ایرانی نیز می‌توانند همزمان از GPS آمریکا، سامانه گلوناس روسیه و سامانه ناوبری «بیدو»ی چین استفاده کنند. این ترکیب به آنها اجازه می‌دهد در صورت اختلال در یکی از سامانه‌ها، مسیر خود را با دیگری اصلاح کنند.

چین همچنین یکی از منابع اصلی مواد و قطعات مورد نیاز صنایع موشکی ایران است. از جمله گزارش‌هایی درباره انتقال آمونیوم پرکلرات، ماده‌ای مهم در تولید سوخت جامد موشک، منتشر شده است. این نوع همکاری ممکن است مستقیماً به انتخاب یک هدف مشخص مربوط نباشد، اما به ایران کمک می‌کند تا توان موشکی خود را حفظ و بازسازی کند.

بیشتر در این باره:

آمریکا افراد و شرکت‌هایی در چین و هنگ‌کنگ را به اتهام تأمین سلاح برای ایران تحریم کرد



نقش اقتصادی چین نیز کمتر از فناوری اهمیت ندارد. پکن بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران است و ادامه این تجارت، درآمدی در اختیار تهران می‌گذارد که برای ادامه جنگ و بازسازی توان نظامی آن حیاتی است. این حمایت با ارسال سلاح یا ورود مستقیم به عملیات فرق دارد، اما اثر آن در بلندمدت می‌تواند مهم‌تر باشد.

اندیشکده‌های غربی و اسرائیلی نیز رابطه دو کشور را محدودتر از یک اتحاد می‌دانند. بنیاد کارنگی نوشته است که انتظار کمک نظامی آشکار چین به ایران از ابتدا واقع‌بینانه نبود؛ پکن سیاست خارجی خود را بر تعهدات دفاعی شبیه آمریکا بنا نکرده و در آغاز جنگ نیز از محکومیت سیاسی حملات فراتر نرفت.

موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل نیز رابطه تهران و پکن را «شراکت راهبردی محدود» توصیف کرده است. از نگاه این موسسه، چین خواهان بقای حکومت ایران و حفظ روابط اقتصادی با آن است، اما حاضر نیست به خاطر تهران روابط گسترده‌ترش با عربستان، امارات و دیگر کشورهای خلیج فارس را به خطر بیندازد. واکنش محتاطانه پکن در جریان جنگ نیز بازتاب همین محاسبه بود.

در مجموع، شواهد موجود بیشتر نشان می‌دهد که نقش چین بیش از آنکه عملیاتی و مستقیم باشد در زیرساخت حملات ایران مورد استفاده قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به تصاویری که از بازار تجاری قابل خرید است، قطعات و مواد اولیه، سامانه نوبری و درآمد حاصل از فروش نفت اشاره کرد. این کمک‌ها می‌تواند به جمهوری اسلامی در حفظ یا بازسازی توان نظامی‌اش کمک کند، اما هنوز مدرکی وجود ندارد که نشان دهد پکن در اتاق طراحی حملات ایران حضور داشته است.

آیا این یک اتحاد نظامی است؟

هرچند همکاری‌های ایران و روسیه را می‌توان واقعی توصیف کرد اما به نظر می‌رسد با یک اتحاد نظامی فاصله قابل توجهی دارد.

می‌توان این همکاری را در سه سطح دید. نخست، حمایت سیاسی؛ روسیه و چین حملات آمریکا و اسرائیل را محکوم کرده‌اند، در شورای امنیت در کنار ایران قرار گرفته‌اند و عضویت تهران در بریکس و سازمان همکاری شانگهای را پذیرفته‌اند. این نهادها به ایران کمک می‌کنند نشان دهد با وجود فشار غرب کاملاً منزوی نشده است.

سطح بعد، همکاری اقتصادی، فنی و احتمالاً اطلاعاتی است. تصاویر ماهواره‌ای، تجهیزات الکترونیکی، سامانه‌های نوبری، مواد مورد نیاز صنایع موشکی، تجربه جنگ اوکراین و کمک به دور زدن تحریم‌ها همگی در این چارچوب قرار می‌گیرند. برخی از این همکاری‌ها علنی و تجاری‌اند و برخی دیگر، اگر گزارش‌ها درست باشد، محرمانه و قابل انکار.

اما اتحاد نظامی به معنای تعهد برای دفاع از یکدیگر است. روسیه و چین چنین تعهدی به ایران نداده‌اند. هیچ‌کدام برای دفاع از خاک ایران نیرو اعزام نکردند، با آمریکا وارد جنگ نشدند و حتی در اوج حملات نیز حمایت علنی خود را از محکومیت سیاسی فراتر نبردند.

واشینگتن چه می‌گوید؟

در آمریکا نیز درباره میزان نقش روسیه و چین اتفاق نظر وجود ندارد.

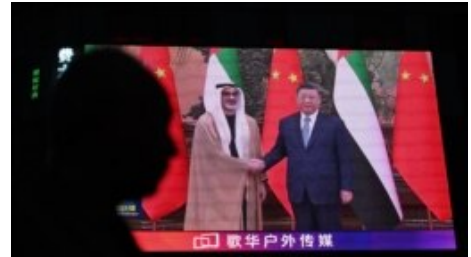
پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، در جلسه استماع سنا گفت روسیه و چین «در سطوح مختلف» به ایران کمک کرده‌اند و این موضوع بخشی از ارزیابی نهادهای اطلاعاتی آمریکاست. دونالد ترامپ اما چند روز بعد گفت باور ندارد ولادیمیر پوتین یا شی جین‌پینگ بخواهند وارد جنگ ایران و آمریکا شوند و تاکید کرد هر دو به او اطمینان داده‌اند که قصد ارسال سلاح به ایران را ندارند.

این دو موضع، لزوماً یکدیگر را نقض نمی‌کنند. هگست از مجموعه‌ای از کمک‌های اطلاعاتی، فناوری و لجستیکی سخن می‌گوید، در حالی که ترامپ بیشتر بر نبود حمایت نظامی آشکار یا ورود مستقیم روسیه و چین به جنگ تاکید دارد.

گزارش‌هایی که تاکنون منتشر شده نیز بیشتر در همین چارچوب قرار می‌گیرند. نهادهای اطلاعاتی آمریکا در حال بررسی احتمال کمک روسیه در برخی حملات ایران هستند، اما تاکنون شواهد عمومی قانع‌کننده‌ای منتشر نشده که نشان دهد مسکو یا پکن مستقیماً در انتخاب اهداف یا هدایت عملیات ایران نقش داشته‌اند.

بیشتر در این باره:

آیا امید به نقش چین در سوق دادن ایران به صلح بیجا است؟



مسکو و پکن تا کجا کنار تهران می‌ایستند؟

شاید فراتر از بحث میزان کمک‌های نظامی چین و روسیه به ایران، پرسش بنیادی‌تر میزانی باشد که پکن و مسکو حاضرند برای حفظ جمهوری اسلامی پیش ببرند.

شواهد موجود نشان می‌دهد پاسخ این پرسش جایی میان «رها کردن» و «دفاع کردن» قرار دارد. روسیه و چین نه ایران را تنها گذاشته‌اند و نه حاضر شده‌اند هزینه یک رویارویی مستقیم با آمریکا را بپردازند. آنچه تاکنون دیده می‌شود، اگر بخشی از گزارش‌های منتشرشده درست باشد، بیشتر به اشتراک‌گذاری محدود اطلاعات، فناوری، تجربه، تجارت و حمایت سیاسی شباهت دارد تا یک ائتلاف نظامی.

به نظر می‌رسد این وضعیت، دست‌کم در کوتاه‌مدت، برای هر سه طرف منافی باشد؛ ایران بدون چنین حمایت‌هایی زیر فشار جنگ و تحریم آسیب‌پذیرتر می‌شود. روسیه از درگیر ماندن آمریکا در خاورمیانه و چین از حفظ ثباتی که جریان انرژی و تجارتش را مختل نکند، سود می‌برند. اما هیچ‌یک از این منافع آن‌قدر بزرگ نیست که مسکو یا پکن را وارد جنگ با واشینگتن کند.

شاید مهم‌ترین نکته همین باشد که روابط ایران با روسیه و چین را نمی‌توان با معیار «متحد» یا «غیرمتحد» توضیح داد. مجموعه اسناد و ارزیابی‌های منتشر شده بیشتر از نوعی همکاری محدود و مبتنی بر منافع متقابل حکایت دارد؛ همکاری‌ای که می‌تواند در مقاطعی برای تهران اهمیت زیادی داشته باشد، اما دست‌کم بر اساس مجموعه گزارش‌ها و ارزیابی‌های منتشر شده، هنوز با یک پیمان دفاعی فاصله دارد.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

سیاسی